

مقایسه تطبیقی رویکرد آیت الله کاشف الغطاء و آیت الله کاشانی در مورد بحران فلسطین^۱

علی آقانوری^۲

محمود ذکاوت^۳

چکیده

مطالعات تطبیقی و بررسی‌های مقایسه‌ای از جمله روش‌ها و عرصه‌های مطالعات تاریخی هستند که معرفت و دانش ما را از ادوار مختلف و مسائل گوناگون تاریخی افزایش می‌دهند. این مطالعات خاصه در تاریخ معاصر کاربرد ویژه‌ای دارد. مقاله حاضر در صدد است با بررسی، مقایسه و تطبیق دیدگاه و عملکرد آیت الله محمدحسین کاشف الغطاء و آیت الله سید ابوالقاسم کاشان در بحران فلسطین، بخشی از میراث علمای شیعه در حفظ و صیانت از اسلام و مسلمین را ایضاح کند. روش مقاله حاضر کیفی و روش جمع‌آوری اسنادی و کتابخانه‌ای است؛ به این معنا که متکی به کاوش در اسناد و منابع، آرا و عملکرد علمای مورد نظر در مسئله و بحران فلسطین را احصا و با ارزیابی آن‌ها، مقایسه تطبیقی اندیشه و عملکرد ایشان در مسئله مذکور را انجام داده است. از جمله نتایج پژوهش حاضر این است که کاشف الغطاء بحران فلسطین را مسئله جهان اسلام و دنیای عرب می‌دید و برای حل آن بیشتر به مراودات نخبگانی اتکا داشت. در مقابل، آیت الله کاشانی مسئله فلسطین را در کنار مسائل ملی عرصه‌ای

۱. مقاله حاضر از رساله دکتری محمود ذکاوت با عنوان نقش نخبگان دینی-سیاسی در تقریب مذاهب و وحدت اسلامی به راهنمایی دکتر علی آقانوری احصاء شده است.

۲. عضو هیئت علمی دانشگاه ادیان و مذاهب قم.

۳. دانشجوی دکترای رشته تاریخ تشیع اثنی عشری دانشگاه ادیان و مذاهب قم. (نویسنده مسئول)

برای مبارزه با استعمار می‌دید و به شدت بر همدلی عموم مردم برای مقابله با استعمار و همراهی با فلسطینیان تأکید داشت. با وجود این وجه مشترک رویکرد علمای مورد نظر در بحران فلسطین آن است که آن‌ها قدس و فلسطین را امانت الهی و قلب جهان اسلامی می‌دیدند که حمایت از آن در برابر صهیونیست‌ها نه تنها وظیفه‌ای شیعی و اسلامی، بلکه امری انسانی و بشری است.

واژگان کلیدی: مطالعه تطبیقی، محمدحسین کاشف‌الغطاء، سید ابوالقاسم کاشانی، اسلام، وحدت، فلسطین، صهیونیسم.

۱- طرح مسئله

صیانت از اسلام سیره شیعیان

از جمله رویکردها، اصول و مبانی حاکم بر سیره سیاسی - اجتماعی علمای شیعه در طول تاریخ و به طور خاص در تاریخ معاصر صیانت از اسلام و مسلمین است. این مهم در فتاوی‌های جهادی و تحریمی علمای شیعه در دفاع از سرزمین‌های اسلامی علیه دولت‌های استعماری مشهود است.^۱ در نخستین سال‌های قرن بیستم میلادی، وقتی که به مرور زمینه‌های شکل‌گیری دولت یهود در قلمرو اسلامی شکل گرفت، علمای شیعه که کیان اسلام را در خطر دیدند علیه چنین جریانی روشنگری کردند و دست به اقدامات سیاسی - اجتماعی زدند. مواجهه علمای شیعه با بحران فلسطین از بدو شکل‌گیری این بحران تاکنون ادامه داشته است. آنچه علما، مراجع و نخبگان دینی - سیاسی شیعه را بر آن داشته تا به این مسئله واکنش نشان دهند اهمیت حفظ و بقای اسلام و مسلمان چونان یکی از ارکان و اصول حاکم بر رفتار سیاسی - اجتماعی ایشان بوده است. سابقه حفظ کیان مسلمین و تلاش در صدد حفظ آن، از سوی شیعیان

۱. فهم این نکته را مدیون استاد موسی حقانی و مرحوم علی ابوالحسنی (منذر) هستم.

به سال‌های نخست هجری و در سیره امامان شیعه برمی‌گردد.^۱ در دوره معاصر ضرورت‌های مضاعفی این مؤلفه را تقویت کرد. به عبارت دیگر علمای شیعه به تأسی از ائمه اطهار (ع) از چنین اصلی تبعیت می‌کردند. مسئله آن‌ها اسلام و موجودیت آن بود. بر همین اساس نیز مسلمانان و مسائل آن‌ها کانون توجه ایشان قرار گرفت.

نخبگان دینی-سیاسی

مفهوم کلی علمای شیعه، از مجتهدان و وعاظ تا مراجع تقلید را در برمی‌گیرد. در این پژوهش نویسنده برای اشاره به بخشی از علمای شیعه در دوره معاصر اصطلاح «نخبگان دینی-سیاسی» را ابداع کرده است. این اصطلاح در جوامع غرب آسیا (خاورمیانه‌ای) بیشتر معنا پیدا می‌کند. مراد نویسنده از جعل این اصطلاح، اشاره به آن دست از علمایی است که در مرتبه نسبتاً بالایی از تحصیلات و آگاهی دینی هستند و در عین حال امر «سیاسی» را با قبول مسئولیت‌های سیاسی و اجتماعی در قامت مبارز یا مسئولیت‌پذیری در نهادهای قدرت یا نیروهای مقاومت دنبال می‌کنند. نخبگان دینی-سیاسی بازیگر عرصه سیاست‌اند و با اهتمام به زمینه نظری و تئوریک به اقدامات اجتماعی و سیاسی دست می‌زنند. به عبارت دیگر این علما قادرند در بعد نظری، عملی یا هر دو، برای صیانت از اسلام و مسلمانان ایفای نقش کنند. در این پژوهش توجه به سیره دو تن از نخبگان دینی-سیاسی شیعه معاصر یعنی آیت‌الله محمد حسین کاشف‌الغطاء و آیت‌الله سید ابوالقاسم کاشانی در مسئله فلسطین به مثابه یکی از نمودهای صیانت از اسلام و مسلمین، در دستور کار قرار گرفته است.

۱. مهم‌ترین رویداد در این مسئله سیره علی بن ابی‌طالب (ع) در مواجهه با خلفای راشدین و رخداد‌های بعد از سقیفه است.

مطالعه تطبیقی و مقایسه‌ای

مطالعات و تحقیقات تطبیقی و مقایسه‌ای^۱ سهم مهمی در فهم و شناخت دقیق‌تر مسائل اجتماعی و تاریخی دارد و به محقق امکان می‌دهد ضمن آشنایی با ایده‌ها و متغیرهای مختلف، نظراتش را بهتر و دقیق‌تر تبیین کند. (اعرابی، ۱۳۸۲: ۱۰) به مدد این تحقیقات که مبتنی بر فهم شباهت‌ها و تفاوت‌هاست (معدن‌دارآرانی، ۱۳۹۸: ۲۴) می‌توان شناخت ابعاد مختلف مسائل تاریخی و اجتماعی را فراهم کرد. به عبارت دیگر تحقیق تطبیقی، یعنی بررسی به منظور دریافت وجود شباهت و اختلاف بین دو پدیده. (اعرابی، ۱۳۸۳: ۱۱)

نخبگان دینی - سیاسی مورد نظر این مقاله، یعنی محمدحسین کاشف‌الغطاء و سیدابوالقاسم کاشانی، به دلایل زیر جهت مقایسه تطبیقی آرا و عملکردشان در مسئله و بحران فلسطین مرکز توجه قرار گرفته‌اند: هر دو متعلق به جامعه شیعی هستند. آیت‌الله کاشف‌الغطاء از علمای شیعه عراق است و آیت‌الله کاشانی علمای شیعه ایران را نمایندگی می‌کند.^۲ هر دو عالم در یک دوره زمانی زندگی کرده‌اند. هر دو با مسئله فلسطین به صورت مستقیم درگیر بودند و هر دو رویکردهای نظری و عملی به این مسئله داشتند. به عبارت دیگر هر دو گزینه مطالعه، هم‌ترازی فرهنگی، هم‌ترازی زمینه‌ای، هم‌ترازی ساختاری و هم‌ترازی کارکردی را دارند.^۳

آنچه وضعیت هر یک از علمای مورد نظر را خاص می‌کند تا به اهمیت این تحقیق

1. comparative studies and research

۲. اگرچه هر دو عالم محصول حوزه نجف هستند، رویکردهای سیاسی ایشان ضمن وجوه اشتراك حاوی جنبه‌های متفاوتی است که در ادامه مقاله به آن اشاره خواهد شد. بخشی از وجوه افتراق‌های مورد نظر ناشی از تفاوت جغرافیای کنش ایشان است. هر دو عالم در جهاد علمای شیعه علیه انگلستان در جنگ جهانی اول جنگیدند. (دوانی، ۱۳۷۷: ۱۷۳)

۳. طبق اصول مطالعات تطبیقی، هم‌ترازی‌های مورد نظر باید بین شخصیت‌های مورد مقایسه در نظر گرفته شود. برای اطلاع بیشتر از مؤلفه‌های مطالعات تطبیقی ر.ک معدن‌دارآرانی، ۱۳۹۸: ۳۴.

بیفزاید این نکته است که هم کاشف‌الغطاء و هم کاشانی هر دو مسئله فلسطین از نخستین روزهای بحرانی تا اشغال و تشکیل رژیم صهیونیستی و پس از آن را درک کرده و بررسی عملکرد آن‌ها می‌تواند به خوبی در ارائه تصویر مورد نظر پژوهش رهگشا باشد.

پرسش و روش تحقیق

با توجه به توضیح فوق، پرسش تحقیق پیش‌رو آن است که در یک بررسی تطبیقی مؤلفه‌های رویکرد و عملکرد آیت‌الله کاشف‌الغطاء و آیت‌الله کاشانی به مسئله و بحران فلسطین چه بود. این بررسی از آن حیث که وجهی از اصل صیانت از اسلام و مسلمین به مثابه یکی از اصول حاکم بر رفتار علمای شیعه را به دست می‌دهد، حائز اهمیت است. پژوهش حاضر در نظر دارد این مسئله را با روش توصیفی-تحلیلی و با استناد به منابع کتابخانه‌ای به سرانجام برساند. بر همین اساس منابعی که قادر بودند تصویری از مسئله مورد نظر را در اختیار نویسندگان قرار دهند، بررسی خواهند شد.

پیشینه و نوآوری تحقیق

تنها یک مقاله علمی-پژوهشی با عنوان «کاشف‌الغطاء و مسئله فلسطین: ابعاد و راهکارها» اثر سیدجواد و سیدامین ورعی به مسئله فلسطین از منظر آیت‌الله کاشف‌الغطاء پرداخته، اما در نسبت مسئله مورد اهتمام این مقاله یعنی مقایسه تطبیقی تأملات فکری و عملی آیت‌الله کاشف‌الغطاء و آیت‌الله کاشانی در مسئله فلسطین، تاکنون اثر پژوهشی صورت نگرفته، بنابراین مقاله حاضر از قابلیت نوآوری و بدیع بودن برخوردار است، چراکه برای نخستین بار تأملات و عملکرد این دو عالم جهان اسلام را در زمینه فلسطین قیاس می‌کند و از این رهگذر وجوه تفاوت و تشابه آن‌ها را نمایان می‌سازد.

۲- بحران فلسطین

نام فلسطین با بحران اجین شده است. در این تحقیق وقتی به بحران فلسطین اشاره می‌شود و منظور مجموعه‌ای از رخدادها و اتفاقاتی است که در یک روند اشغال فلسطین توسط صهیونیست‌ها را رقم زد. این بحران از اواخر قرن نوزدهم تا ابتدای دهه ۱۹۶۰ میلادی را شامل می‌شود.^۱ اگرچه این بحران، بلکه فاجعه، تا اکنون نیز ادامه دارد، محدوده زمانی مورد بحث این تحقیق بر نیمه اول قرن بیستم متمرکز است.

نقش بریتانیا در ایجاد بحران در منطقه و فلسطین

بریتانیای بزرگ دولتی است که جنبش یهودیان را درک می‌کند و نخستین دولتی است که آنان را یاری کرده است. (کفاش، ۱۳۹۲: ۹۶) این جمله هرتسل به خوبی نقش انگلستان در بحران فلسطین را افشا می‌کند. در سال‌های پایانی قرن نوزدهم و دهه نخستین سده بیستم، شورش‌هایی در فلسطین تحت سلطه عثمانی برپا شد که انگلستان از شورشیان حمایت کرد. (شاو، ۱۳۷۰: ۵۴۳-۵۴۲) در این زمان انگلیس در رقابت با روسیه و فرانسه به دنبال تسلط کامل بر کانال سوئز تحت سلطه عثمانی بود. (کیالی، ۱۳۶۶: ۳۰) انگلستان قصد داشت از طریق سیطره بی‌رقیب ناوگان خود بر آب‌های منطقه استراتژیک فلسطین که نقطه تلاقی آسیا، اروپا و آفریقا بود، تأثیرگذاری خود در معادلات جهانی را همچنان حفظ کند. بنابراین شورش و بی‌ثباتی در عثمانی ابزاری برای رسیدن به این هدف بود.

همچنین تقویت و ترویج اندیشه ناسیونالیسم به عنوان راهی برای تجزیه و تضعیف دولت

۱. در سال ۱۸۹۷ با تشکیل نخستین «کنگره جهانی صهیونیست» در شهر بازل سوئیس، صهیونیسم به صورت جنبشی سیاسی سرتاسری در اروپا پدیدار شد و تئودور هرتسل، رهبری این جنبش را در دست گرفت. هرتسل در جزوه‌ای که سال قبل از آن، تحت عنوان «کشور یهودیان» منتشر کرد، خواستار تشکیل کشوری یهودی در فلسطین شده بود. (ر.ک: کوئیگلی، ۱۳۷۲: ۴)

عثمانی به شدت از جانب امپراتوری بریتانیا پیگیری می‌شد. اندیشه ناسیونالیسم که به تدریج و بعد از رخنه فرهنگی و تجاوز نظامی غرب به جهان عرب آغاز شد (احمدی، ۱۳۶۹: ۹۰) در بسیاری از کشورهای مسلمان، جایگزین هویت اسلامی گردید و در خدمت تأمین منافع سیاست‌های استعماری قرار گرفت که نتیجه آن رشد گرایش‌های قومی و نژادی و دامن زدن به حرکت‌های تفرقه‌انگیز و تجزیه طلبانه در سرزمین‌های اسلامی به‌ویژه قلمرو دولت عثمانی بود. اوج این سیاست‌های انگلستان، در جنگ جهانی اول بود که نهایتاً در پایان جنگ ولایات بین‌النهرین اولین نقاطی بودند که انگلیسی‌ها در جنگ از عثمانی‌ها گرفتند. (فرامکین، ۱۳۹۶: ۲۹۶) حتی بعداً که رژیم‌های ملی‌گرا در منطقه شکل گرفت، انگلیس از ضعف ساختاری گروه‌های ملی‌گرا استفاده کرد تا سیاست احیای استعمار را در منطقه پیش ببرد. (شولتسه، ۱۳۸۹: ۱۷۵)

در کنار تفرقه میان اعراب و مسلمانان، انگلستان به پایگاهی برای تداوم سلطه خود در این منطقه نیاز داشت و صهیونیست‌ها قرار بود چنین نقشی را ایفا کنند. وقتی عده‌ای از یهودیان، اندیشه ملت واحد یهود را مطرح و جهت تشکیل کشوری مستقل برای استقرار آن‌ها، اقداماتی را آغاز کردند که تشویق و حمایت جدی انگلیستان را در پی داشت. این جریان، کسب کمک‌های مالی از یهودیان ثروتمند را آغاز نمود و برای پیشبرد مقاصد خود حزبی را تشکیل داد و نام «صهیون» را بر خود نهاد. سرانجام در نوامبر ۱۹۱۷ اعلامیه بالفور در مورد تصویب طرح تأسیس «کانون ملی یهود» در سرزمین فلسطین، در کابینه انگلیس، منتشر شد. بنابراین انگلستان از یک سوبه شورش و بی‌ثباتی در فلسطین دامن زد و از سوی دیگر راه ورود صهیونیست‌ها به فلسطین را هموار کرد.

در ۲۵ آوریل ۱۹۲۰ متفقین و جامعه ملل، قیمومت فلسطین را رسماً به دولت انگلیس واگذار کردند و آن را موظف نمودند که با تأسیس کانون ملی یهود، در اجرای اعلامیه

بالفور کمک کند. به عبارت دیگر اعلامیه بالفور در نظام قیمومیت بریتانیا بر فلسطین تلفیق شد و از این طریق به تمایلات صهیونیست‌ها پاسخ مثبت داده شد. (شاو، ۱۳۷۰: ۵۶۰) در این زمان فقط پنجاه هزار یهودی در فلسطین وجود داشت، اما به وسیله حکومت جدید که از سوی انگلیس به یک یهودی واگذار شده بود، باب مهاجرت یهودیان گشوده شد و جمعیت آنان در فلسطین افزایش یافت.

در طول جنگ جهانی دوم آرامش نسبی بر فلسطین حکم فرما بود؛ اما پس از اینکه دولت انگلیس در ۱۴ مه ۱۹۴۸ به قیمومت خود خاتمه داد و قشون خود را از فلسطین خارج کرد شورای ملی یهود در تل‌آویو تشکیل شد و موجودیت دولت اسرائیل را اعلام کرد. انگلیسی‌ها هم در هنگام خروج، تجهیزات خویش را در اختیار آنان گذاشتند. از آن پس دخالت‌های سازمان ملل در مورد فلسطین و پیشگیری از حملات صهیونیست‌ها به فلسطینی‌ها بی‌اثر گردید و صهیونیست‌ها شروع به تصرف شهرها و روستاها و اخراج فلسطینی‌ها از خانه و کاشانه‌شان کردند و چون با مقاومت مردم مواجه شدند جنایاتی مانند کشتار دهکده دیر یاسین و کفر قاسم را در آوریل ۱۹۴۸ به راه انداختند که باعث گسترش وحشت فلسطینی‌های بی‌پناهی پناه گردید و آنان هم به ماورای اردن می‌گریختند. چه قبل از این سال و چه سال‌های بعد رویکرد صهیونیست‌ها به خوبی این عبارت ماگنس یهودی را تأیید کرد که «یک دولت یهود اگر قرار است باشد، تنها از راه جنگ می‌تواند به دست آید». (رودنسون، ۱۳۵۷: ۷۶)

از همان نخستین سال‌های بحران علمای اسلام و مراجع شیعه نسبت به مسئله مورد نظر واکنش نشان دادند. نخبگان دینی-سیاسی شیعه که در عراق و ایران ساکن بودند متأثر از اخبار منتشر شده از وضعیت فلسطین باخبر می‌شدند. در این میان امین‌الحسینی مفتی فلسطینی نقش مهمی در پررنگ کردن مسئله فلسطین در جهان

اسلام داشت. وی با سفرهای روشنگرانه خود به نواحی مختلف، جهان اسلام را متوجه توطئه انگلستان و صهیونیست‌ها در فلسطین کرد. آنچه در ادامه خواهد آمد، ترسیم چگونگی مواجهه علمای شیعه، یعنی آیت‌الله کاشف‌الغطاء و آیت‌الله کاشانی، در برابرین بحران است.

۳- آیت‌الله شیخ محمد حسین کاشف‌الغطاء (۱۳۷۳-۱۲۹۴ق/۱۳۳۲-۱۲۵۶ش)

کاشف‌الغطاء از مراجع تقلید نجف در قرن ۱۴ هجری محسوب می‌شود. از جمله رویکردهای وی توجه به وحدت اسلامی میان شیعه و اهل سنت و درعین حال مبارزه با وهابیت است. (بهشتی، ۱۳۷۰: ۱۰۰-۶۰) کاشف‌الغطاء مرادوات گسترده‌ای با رجال و شخصیت‌های سیاسی و بین‌المللی داشت. (فضل‌الله، ۱۳۷۲: ۱۸) در روزگار جنگ جهانی اول در عراق علیه اشغالگران انگلیسی جهاد کرد و بعداً توانست جنبش اسلامی در عراق را در گذر از امپراتوری عثمانی به دولت ملی رهبری کند. (مهاجرنیا، ۱۳۸۹: ۱۱۹) به‌طورکلی حیات علمی و سیاسی شیخ محمد حسین برگرد چهار محور می‌چرخید: تدریس و مرجعیت دین، سفرهای تبلیغی و سیاسی، تحقیق و نگارش، مبارزه سیاسی با استعمار و صهیونیسم. (موسوی بجنوردی، ۱۳۸۳: ۱۰۶) در این میان مسئله صهیونیسم، خطر آمریکا و انگلیس و به‌طورکلی مادیت و استعمار غرب و الحاد کمونیسم و دردها و زخم‌های عمده جهان اسلام، مطالب و موضوعاتی بودند که مرکز توجه کاشف‌الغطاء قرار گرفتند؛ یعنی تداوم همان جریان و گرایش مذهبی نقاد غرب، در حوزه نجف. (نجفی، ۱۳۷۵: ۱۷۹) شیخ که همواره با علمای فارسی‌زبان معاشرت داشت، این زبان را آموخت. (آل کاشف‌الغطاء، ۱۳۹۴: ۷۵-۷۴) کاشف‌الغطاء از ۱۹۳۳ تا ۱۹۵۰ چند بار به ایران سفر کرد و در محافل مختلف محور اصلی صحبت‌هایش بیداری علیه استعمارگران بود. (موسوی بجنوردی،

حضور کاشف الغطاء در بیت المقدس

در سال ۱۳۵۰ ق / ۱۹۳۱ م چند سال از آغاز بحران فلسطین گذشته بود و برخی مهاجران صهیونیست که تابعیت کشورهای دیگر را داشتند به فلسطین سرازیر شدند. مسلمانان و صهیونیست‌ها درگیری‌های مختلفی با هم داشتند. مفتی اعظم فلسطین حاج امین الحسینی تلاش‌های بسیاری برای جلب توجه دیگر اقوام و ملل مسلمان به بحران فلسطین صورت داد. از جمله تمهیدات برای حل مسئله مورد نظر برگزاری کنفرانس اسلامی در فلسطین بود. امین الحسینی از آیت الله محمد حسین کاشف الغطاء دعوت کرد که به فلسطین بیاید و در این کنفرانس شرکت کند. کنفرانس را مجلس اعلای اسلامی فلسطین برگزار می‌کرد. شخصیت‌های سیاسی و مذهبی کشورهای مسلمان از سراسر دنیا، در این کنگره گرد آمدند. (امین، ۱۴۲۲: ۲۲) این در حالی بود که فلسطین هنوز اشغال نشده بود و بیش از هفتاد هزار نفر از مردم فلسطین به بیت المقدس آمده بودند تا از سخنان رهبران مذاهب اسلامی و شخصیت‌های برجسته سیاسی و مذهبی کشورهای مسلمان بهره جویند. رشیدرضا و علامه اقبال لاهوری نیز در این همایش بزرگ حضور داشتند. کاشف الغطاء ۱۰ الی ۱۵ روز را در فلسطین میهمان کنفرانس مذکور بود و امین الحسینی مفتی قدس استقبال شایانی از وی کرد. در همین سفر بود که کاشف الغطاء در قامت پیش‌نمازی مسجد الاقصی نماز خواند و خطبه گفت. (آل کاشف الغطاء، ۱۳۸۹: ۴۰-۲۳)

سخنرانی در مسجد الاقصی (وحدت کلمه حلقه مفقوده)

حضور کاشف الغطاء در کنفرانس و پیش‌نمازی مسجد الاقصی مسئله‌ای است که می‌تواند نسبت آیت الله کاشف الغطاء و اهمیت بحران فلسطین نزد وی را بیشتر نشان دهد. وی در آنجا به امامت اولین مسجد مسلمانان نماز خواند و سخنرانی کرد. کاشف الغطاء نگرانی خود را از سرنوشت مردم و سرزمین فلسطین اعلام داشت و ضمن

شرح وضعیت سیاسی مسلمانان آنان را به اتحاد و وحدت کلمه، صبر و بردباری و پرهیز از نفاق و اقدام به عمل دعوت کرد. (قانون، ۱۳۸۱: ۱۰۵-۱۰۴) وی اختلاف کشورهای عربی را در «فاجعه فلسطین» جدی می‌دید. (آل‌کاشف‌الغطاء، ۱۹۸۰: ۸۶-۸۷) همچنین در همین سخنرانی درباره وضعیت مسلمانان در گذشته و حال و پریشانی و انحطاط کنونی و لزوم وحدت میان آنان و پرهیز از اختلاف و پراکندگی سخن گفت. کاشف‌الغطاء در مدت حضورش در فلسطین به شهرهای مختلف سفر کرد و با دانشمندان شیعه و سنی به گفت‌وگو نشست و آنان را به وحدت با یکدیگر در مقابل دشمنان اسلام و صهیونیست‌ها دعوت کرد. (رجبی، ۱۳۹۲: ۳۸) دوستی و رفاقتی که میان امین‌الحسینی و کاشف‌الغطاء در این سفر ایجاد شد تا پایان عمر ادامه داشت.^۱ در سال ۱۹۴۸م که اسرائیل با حمایت دولت‌های غربی پدید آمد شیخ با صراحت به مقابله برخاست و از اعتبار و نفوذ دینی و سیاسی خود در این جهت سود جست. او بر این باور بود که فرمانروایان کشورهای عربی در مبارزه علیه اسرائیل جدی نیستند. (موسوی بجنوردی، ۱۳۸۳: ۱۰۶)

همان‌طور که از گزارش‌های فوق مشخص است از جمله رویکردهای آیت‌الله کاشف‌الغطاء در قبال بحران فلسطین، اقدام عملی به سخنرانی و دعوت نخبگان جهان اسلام به اتحاد و وحدت کلمه است. کاشف‌الغطاء برای نیل به مقصود خود در مسئله فلسطین سفرهای سیاسی ترتیب داد. مهم‌ترین مفهومی که این رویکرد و اقدامات وی را صورت‌بندی می‌کند، عبارت «روشنگری نخبگان» است. عدم اطلاع نخبگان جهان اسلام از اتفاقاتی که در منطقه و پیرامون آن‌ها می‌افتاد باعث بی‌حسی و عدم واکنش متناسب با مسائل پیش‌آمده می‌شد. خاصه در بحران فلسطین این

۱. کاشف‌الغطاء پاییز سال ۱۳۱۲ در ایران و در حرم حضرت عبدالعظیم حسنی اسکان داشت. هم‌زمان نیز امین‌الحسینی به ایران آمده و در صدد ملاقات با وی بود. در این دیدار بود که امین‌الحسین گفت: فلسطین مبتلا به دو استعمار انگلیس و صهیونیسم شده است. (آل‌کاشف‌الغطاء، ۱۳۹۴: ۲۳۹)

موضوع وجود داشت. با اقدامات و روشنگرانه کاشف الغطاء بود که مسئله فلسطین در کانون توجه نخبگان قرار گرفت. این امر ناشی از روحیه و مشی ارتباطی گسترده وی با نخبگان جهان اسلام خاصه امین‌الحسینی بود. همان‌طور که اشاره شد کاشف الغطاء مشکلات جهان اسلام را ناشی از تفرقه درونی و دسیسه‌های برونی استعمار و صهیونیسم می‌دانست. (آل کاشف الغطاء، ۱۴۰۳: ۷۹) آنچه از سیره و رویکرد مرحوم کاشف الغطاء درباره بحران و مسئله فلسطین می‌توان دریافت، اقدام و عمل تقریبی ایشان در جهت اتحاد و وحدت نیروی مسلمانان برای مقابله به تجاوز صهیونیست‌ها است. (آل کاشف الغطاء، ۱۳۸۹: ۷۷-۷۶)

افشای نقش آمریکا در بحران فلسطین

موضوع دیگر در نسبت آرا و عملکرد کاشف الغطاء و مسئله فلسطین، تأکید وی بر نقش آمریکا در بحران فلسطین است. آمریکایی‌ها حتی قبل از آنکه جنبش صهیونیسم به رهبری هرتسل شکل بگیرد بر مهاجرت یهودیان به فلسطین و حمایت از آنان نقش داشتند. از جمله وظایف کنسول‌های آمریکا در منطقه حمایت‌ها از یهودیان بود. (شرابی، ۱۳۷۴: ۵۴) شیخ از نخستین کسانی بود که مسئله فلسطین را مرتبط با آمریکا دانست. (آل کاشف الغطاء، ۱۹۸۰: ۷۷-۷۶)

سال ۱۹۵۳م دکتر فیلیب حتی، مستشرق و مورخ معروف، نزد کاشف الغطاء آمد تا او را برای کنفرانسی که از سوی آمریکایی‌ها درباره مشترکات ادیان جهان در بحمدون لبنان برگزار می‌شد دعوت کند. شیخ در ارائه بحث و مقاله آزاد بود. کنفرانس همچنین پیشنهاد معالجه و درمان شیخ را هم داده بود. اما کاشف الغطاء در پاسخ گفت: شما جسم مرا معالجه خواهید کرد، اما چگونه می‌خواهید آبرویم در جهان اسلام و عرب را درست کنید که دعوتتان را اجابت کنم بی‌آنکه امیدی به حل شدن قضیه مردم مظلوم فلسطین داشته باشم که دچار بی‌رحمانه‌ترین ظلم، شکنجه

و آوارگی به دست صهیونیست‌ها شده‌اند؟ کتاب المثل العلیا فی الاسلام لا فی البحمدون اثر وی در پاسخ به این ماجرا نگاشته شده است. (صدرحاج سیدجوادی، ۱۳۹۰: ۴۴۷) وی «نکبت و ضرر فاجعه فلسطین» را از سقوط اندلس بیشتر دانسته است. (آل‌کاشف‌الغطاء، ۱۳۷۳: ۱۹) کاشف‌الغطاء در همان سال و در دیداری دیگری که سفیر انگلیس با وی داشت شدیداً به سیاست‌های استعماری آن‌ها را در سرزمین‌های اسلامی اعتراض کرد و جنایت‌هاشان در آواره کردن مردم فلسطین را گوشزد کرد. در دیدار با سفیر آمریکا نیز با همان صراحت به همکاری ایالات متحده با صهیونیسم و تقویت آن‌ها در اشغال سرزمین فلسطین اعتراض کرد و به او نهیب زد. (آل‌کاشف‌الغطاء، ۱۳۷۳ ق: ۲۰؛ مهاجرنیا، ۱۳۸۹: ۱۳۵) با توجه به توضیح فوق وجه دیگری از رویکرد کاشف‌الغطاء درباره مسئله فلسطین، همسودیدن آمریکا و انگلیس با صهیونیست‌ها است.

صدور فتوای جهاد علیه صهیونیست‌ها در حمایت از فلسطین

کاشف‌الغطاء پس از سخنرانی قدس و به هنگام بازگشت به نجف در مسجد جامع کوفه سخنرانی مبسوطی ایراد کرد و دو فتوا درباره لزوم شرکت همه مسلمانان در جهاد برای نجات فلسطین صادر نمود. (رجبی، ۱۳۸۲: ۳۸۵) در ادامه هرچه بحران فلسطین جدی‌تر می‌شد، واکنش علمای شیعه به آن نیز شدیدتر بود. البته این مسئله را باید با توجه به امکانات، سطح نفوذ و میزان قدرت علما در نظر گرفت. صهیونیست‌ها در سال ۱۳۲۷ ش. / ۱۳۶۷ ق. / ۱۹۴۸ م فلسطین را اشغال کردند. در همین ایام برخی دولت‌های عربی به نبرد با متجاوزان برخاستند. کاشف‌الغطاء پیامی برای رزمندگان مسلمان فرستاد و آنها را به ادامه نبرد تشویق نمود او همواره در سخنرانی‌ها و پیام‌های خویش از فلسطین یاد می‌کرد و مسلمانان را به آزادسازی آن فرامی‌خواند. اگرچه بعضاً تعبیر حمایت از آلمان در برابر انگلستان از این فتوا هم صورت گرفته (معتدل، ۱۳۹۸:

۱۴۹) اما آنچه وجه همت کاشف‌الغطاء بود نه حمایت از آلمان، که مبارزه علیه انگلیس و صهیونیسم بود.

کاشف‌الغطاء همچنین به مسئله فروش زمین‌ها به صهیونیست‌ها واکنش شدیدی نشان داد و از علمای اسلام خواست با «تحریم فروش زمین به صهیونیست‌ها» مانع روند رو به رشد تسلط آنان بر سرزمین‌های اسلامی شوند. فتوای شیخ به حرمت فروش اراضی فلسطین به صهیونیست‌ها و اقدام مشابه علمای اسلام و آزادی خواهان موجی از نفرت علیه فروشندگان اراضی را برانگیخت. در فلسطین هر کس زمینش را می‌فروخت، خائن و وطن‌فروش به شمار رفته و به دست جوانان غیور فلسطین مجازات می‌شد و روزنامه‌ها اخبار آن را منتشر می‌کردند. (ورعی، ۱۳۹۸: ۲۶۲)

سخنان کاشف‌الغطاء درباره فلسطین در کتابی با عنوان قضیه فلسطین الکبری منتشر شده است. وی در خطبه «اتحاد و اقتصاد»، با اشاره به وضع فلسطین و آوارگان مسلمان و اراضی آنان توسط صهیونیست‌ها، وجوب یاری رساندن به آنان را بیان کرده و شدت عمل صهیونیست‌ها در سال‌های بعد را پیش‌بینی کرده است. به همین منظور پیشنهاد ایجاد یک صندوق اعانه‌ای و عمرانی میان ملل مسلمان را می‌دهد. (ورعی، ۱۳۹۷: ۴۸۸) در واقع کاشف‌الغطاء در تداوم حمایت‌های معنوی و سیاسی خود از فلسطینیان به رویکرد اقتصادی و حمایت مادی نیز روی می‌آورد.

توجه به فلسطین به مثابه مسئله‌ای عربی

همچنین کاشف‌الغطاء مسئله فلسطین را نیز در منظومه عربی می‌دید. در واقع در کنار وجه اسلامی قضیه رویکرد قومی خاصه عربی دیدن آن نیز برجسته بود. (آل کاشف‌الغطاء، ۱۹۸۰: ۳۷-۳۴) بر همین اساس هم در منبرش در قدس و هم در رد دعوت آمریکایی‌ها به وجه عربی مسئله اشاره کرد. وی در نامه‌ای به ترومن نامزد

ریاست جمهوری آمریکا بر این موضوع که فلسطین حتی پیش از اسلام هم جایگاه اعراب بود و به دست آن‌ها اداره می‌شد. به عبارت دیگر از دیدگاه وی مسئله فلسطین صرفاً مسئله‌ای دینی نبود. (ورعی، ۱۳۹۷: ۱۷۸)

برآیند مسئله فلسطین نزد کاشف‌الغطاء

شیخ محمد حسین کاشف‌الغطاء با فتوایی که صادر کرد و با اقداماتی که انجام داد، خاصه سفرش به قدس و نماز و خطبه خوانی در مسجدالاقصی، نشان داد بحران فلسطین مسئله شیعیان و علمای شیعه نیز هست. جایگاه شیخ در نجف از مرتبه بالایی برخوردار بود و ورود وی به این مناسبات و موجبات حساسیت دیگر علما را در پی داشت.

در کنار موارد فوق، کاشف‌الغطاء در مسئله فلسطین بیشتر با یک رویکرد نخبگانی و محفلی در صدد حل مسئله بود. گوا اینکه با صدور فتوا در حمایت از فلسطینیان به وجه عمومی قضیه نیز نظر داشت، اما عملکرد وی بیشتر رنگ و بوی نخبگانی و محفلی داشت. متأثر از چنین رویکردی بود که در مسئله فوق به نامه‌نگاری با شخصیت‌ها و نخبگان دین و سیاسی روی آورد. همچنین وی کوشید با توجه به مفهوم تاریخ و فرهنگ عربی فلسطین، از این جنبه نیز مسئله را برجسته کند.

۴- آیت‌الله سید ابوالقاسم کاشانی (۱۳۸۱-۱۳۹۹ق / ۱۳۴۰-۱۳۶۱ش)

از دیگر علمای شیعه که درباره مسئله و بحران فلسطین موضع گرفتند و اقدام عملی در راستای این مسئله جهان اسلام انجام دادند آیت‌الله سید ابوالقاسم کاشانی است. کاشف‌الغطاء وی را عالمی عامل و دارای منزلت عالی می‌داند. (آل کاشف‌الغطاء، ۱۴۳۹: ۲۹۵) وی رهبر مذهبی و سیاسی ایران در دوران جنبش ملی کردن صنعت نفت بود. کاشانی در سال ۱۳۶۱ش در تهران متولد شد و تحصیلات حوزوی خود را در نجف سپری کرد. شاگرد آیات عظام آخوند خراسانی، خلیل تهرانی و کمره‌ای بود. وی در ۲۵ سالگی

به اجتهاد رسید. فعالیت‌های سیاسی او با جهاد علیه حاکمیت انگلیسی‌ها در رکاب پدرش آیت‌الله سیدمصطفی کاشانی در عراق شروع شد. (دوانی، ۱۳۷۷: ۴۶۱) این جهاد به همراهی عشایر عرب صورت گرفت و آیت‌الله کاشانی عضو هیئت عالی انقلابیون بود. (روحانی مبارز، ۱۳۷۹: ۱۳) در اواخر دوره پهلوی اول به اتهام مشارکت در حزب نهضت ملیون ایران تحت تعقیب قرار گرفت. با ورود متفقین در شهریور ۱۳۲۰ به ایران، دستگیر و تبعید شد. در بازجویی که از وی به عمل آوردند بخش اصلی و غالب بازجویی درباره همکاری او با رشیدعالی گیلانی و امین‌الحسینی مفتی اعظم فلسطینی بود. (کاشانی، ۱۳۸۶: ۲۱۲) پس از جنگ جهانی دوم کاشانی علیه صهیونیست‌ها موضع گرفت. قدرت و محبوبیت کاشانی در جریان جنبش ملی شدن صنعت نفت به شدت بالا رفت. هواداران او به حمایت از جنبش ملی تحت رهبری مصدق پرداختند. در ادامه کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ دولت مصدق را سرنگون و فعالیت کاشانی را کاهش داد.

صدور بیانیه و اعلامیه

آیت‌الله کاشانی هیچ‌گاه از مسائل جهان اسلام غافل نبود، حتی در مهم‌ترین مناسبات ملی و میهنی به مسائل جهان اسلام خاصه فلسطین نظر داشت. در ۱۱ دی‌ماه سال ۱۳۲۶ شمسی وقتی که آیت‌الله کاشانی از زندان و تبعید رهایی یافته ورود او به تهران با جنگ صهیونیست‌ها علیه مردم فلسطین هم‌زمان بود، استقبال از کاشانی به میتینگ‌های ضد استعماری و آزادی‌خواهی تبدیل شد. کاشانی با صدور اعلامیه‌ای به تمام مسلمین جهان در مورد تشکیل دولت غاصب اسرائیل اعلام خطر کرد. وی مسلمانان را جهت مخالفت با دسیسه‌های استعمار در روی کار آوردن صهیونیست‌ها دعوت به تظاهرات و اعتراض نمود و از آنان خواست تا تمام کوشش خود را برای ریشه‌کن کردن «غده سرطانی صهیونیست» در اراضی اشغالی فلسطین به کار گیرند. کاشانی در همین اعلامیه عملکرد بد سازمان ملل در قبال فلسطین را گوشزد کرد و از

خطر تأسیس دولت یهودی در آتیه گفت. اینکه صهیونیسم کانون مفسد بزرگ برای مسلمین خاورمیانه و بلکه تمام دنیا خواهد بود. کاشانی تأکید داشت که زیان چنین دولتی تنها متوجه فلسطینیان نیست. (رکن‌آبادی، ۱۳۷۹: ۱۶۷) در این اطلاعیه آیت‌الله کاشانی تأکید کرد که «بر تمام مسلمین عالم است که از هر طریق که می‌شود از این ظلم فاحش جلوگیری نموده و رفع این مزاحمت را از مسلمین بنمایند». (خسروشاهی، ۱۳۹۷: ۱۱) در همین بیانیه است که آیت‌الله کاشانی تأکید می‌کند:

«برادران مسلمان عرب ما در کشورهای اسلامی باید آگاه و بیدار باشند و بدانند ایران اسلامی با نیروی ایمان و در زیر پرچم پرتوان و همیشه پایدار اسلام همواره پیوند عمیق خود را با مسلمانان جهان در هر گوشه‌ای که می‌زیستند حفظ نموده است. تقویت اسلام، وحدت مسلمانان بدون در نظر گرفتن زبان و نژاد و قومیت جهت تفکر بزرگان و پیشوایان روحانی این سرزمین بوده است. ما انتظار داریم دسائس و فریبکاری عاملین استعمار که برای پراکندگی و جدایی مسلمانان به طور مستمر کوشش می‌کنند بلااثر بماند و اکنون که نیروی اسلامی حاکمیت ایران را به دست گرفته و یکی از پرهیجان‌ترین لحظات تاریخ در جریان است با بیداری همه مسلمانان این سنگ‌به‌دست‌آمده حفظ شود. اجازه ندهند که قدرت‌های بزرگ ضربات تبلیغاتی و عملیات تخریبی خود را از طریق کشورهای با عنوان اسلامی به ایران وارد سازند». (مدنی، ۱۳۶۲: ۲۵)

مفهوم‌سازی آیت‌الله کاشانی با تعبیر «غده سرطانی صهیونیست» کلیدواژه‌ای را ساخت که تا سال‌ها بعد و هم‌اکنون از جمله تعابیر ادبیات سیاسی ایرانیان برای توصیف صهیونیسم است. همچنین رویکرد امتی در نگاه این نخبه دینی-سیاسی مشهود است آنجا که جهان اسلام را علیه صهیونیسم و در حمایت از فلسطینیان فراخواند.

برگزاری تظاهرات عمومی و خیابانی

صدور اعلامیه یگانه اقدام کاشانی در مسئله و بحران فلسطین نبود. هفته بعد و در تاریخ ۲۰ دی ماه ۱۳۲۶ ایشان مردم را دعوت به تظاهرات به نفع مردم فلسطین کرد. بیش از سی هزار نفر از مردم تهران، به دعوت آیت الله کاشانی، در مسجد امام خمینی (مسجد شاه سابق) اجتماع کردند، ولی دولت وقت که از فعالیت سیاسی و مذهبی آیت الله کاشانی بیمناک بود با توسل به زور و قوای انتظامی از سخنرانی آیت الله کاشانی در این میتینگ باشکوه ممانعت کرد و در نتیجه، خطیب شهیر پایتخت، حجت الاسلام فلسفی به منبر رفت. سخنران این مجلس حجت الاسلام فلسفی در نقد یهودیان اسرائیل و جریان صهیونیسم بود و با تفکیک میان یهودیان ایران و صهیونیست‌ها سخنرانی خود را پایان داد (فلسفی، ۱۳۷۶: ۴۱۲-۴۱۱). با وجود این آیت الله کاشانی در جمع مردمی که حاضر بودند مطلبی گفت که حائز اهمیت است. وی ضمن اشاره به وضع بد مسلمانان در فلسطین، مردم را دعوت به اتحاد و اتفاق کرد. کاشانی بر الگوی حسینی برای دفاع از حق تأکید داشت. سپس اعلام نمود که به منظور جمع‌آوری اعانه برای کمک به مسلمین فلسطین، حسابی در بانک ملی افتتاح شده که مردم کمک‌های خود را به آن واریز کنند. (دهنوی، ۱۳۶۱: ۲۹-۲۸) وقتی که نیروهای قدرت سعی در به انحراف کشاندن تجمعات مردمی در حمایت از فلسطین داشتند آیت الله کاشانی اعلامیه‌ای صادر کردن که اقلیت‌های کلیمی و مسیحی و غیره تحت حمایت دولت و مردم مسلمان هستند و هیچ کس حق ندارد به آنها آسیب و زبانی وارد کند. (فرامرزی، ۱۳۴۸: ۳۶۶)

تاریخ معاصر منطقه و خاصه ایران عرصه حضور مردم در مناسبات سیاسی است. هرچه این حضور بیشتر باشد رسیدن به مطالبات نیز موفق‌تر خواهد بود. متأثر از چنین راهبردی است که در این مرحله توجه آیت الله کاشانی به عمومی کردن اعتراض

مسلمانان خاصه مردم ایران نسبت به بحران و مسئله فلسطین بود. برای نیل به چنین مقصودی اعتراض و تظاهرات خیابانی از جمله مهم‌ترین روش‌ها بود که آیت‌الله کاشانی از آن بهره گرفت.

گردهمایی عمومی در تهران

سال بعد و در همین راستا در ۲۸ اردیبهشت ۱۳۲۷ آیت‌الله کاشانی اطلاعیه‌ای صادر و مردم را به اجتماع در روز جمعه به منظور همدردی با مردم فلسطین فراخواند. گردهمایی بزرگی در مسجد شاه تهران با هدایت آیت‌الله کاشانی و طالقانی ترتیب یافت که در آن نزدیک به ده‌هزار نفر حضور داشتند. کاشانی در این اجتماع خطاب به مردم بر نقش استعمار در از خود بیگانگی مسلمانان تأکید کرد و آن را خطر جدی دانست. او خاطرنشان کرد که مسلمانان امروز بیش از هر چیز به اتحاد و برادری و یکرنگی و صمیمیت احتیاج دارند: «اسلام حدود و ثغوری برای مسلمین تعیین نکرده و نقطه یا سرزمین معینی را برای آنها وطن قرار نداده است و همه مناطق و ممالک اسلامی وطن مسلمین است و بر مسلمانان واجب نموده است که اگر برای برادران زحمت و مشقتی پیش آید، باید بکوشند و به کمک یکدیگر از خود رفع نگرانی نمایند و به مضمون آیه مبارکه واعتصموا بحبل الله جمیعا ولا تفرقوا، کمر همت بریندند».

(دهنوی، ۱۳۶۱: ۴۵-۴۱)

در ادامه کاشانی به ظلم‌های مهاجرین یهود بر مسلمانان در فلسطین اشاره کرد و با اشاره به سخن پیامبر «من أصبح ولم یهتم بامور المسلمین فلیس بمسلم» تأکید کرد: برادران مسلمان ایران، باید بکوشید در این هنگام که سخت‌ترین مصائب بر برادران شما رخ داده، از آنها حمایت نمایید و در تمام موارد به کمک و استعانت آنها قیام کنید. کاشانی سخت تأکید داشت که تمام مردم ممالک اسلامی باید هریک به نوبه خود از کمک مالی و جانبی به مردم بی‌پناه فلسطین و از همدردی دریغ نکنند. تمام

ممالک اسلامی دنیا وطن ماست و ما نیز با تمام قوا جان و مال به سهم خود باید از آنها حمایت کنیم و در حفظ منافع و مصالح عالیّه مسلمین کوتاهی نکنیم. پس از برگزاری این تظاهرات و بیانات آیت‌الله کاشانی که از مردم خواسته بود جانی و مالی به مرد فلسطین کمک نمایند، از طرف فدائیان اسلام، اعلامیه‌ای نیز صادر شد که به این نکته اشاره داشت که پنج هزار نفر از فدائیان اسلام حاضر به کمک به برادران مسلمان فلسطین هستند و با کمال شتاب از دولت ایران اجازه حرکت سریع به سوی فلسطین را دارند و منتظر پاسخ سریع دولت می‌باشند. (خسروشاهی، ۱۳۹۷: ۱۱۷) بنابراین در پایان گردهمایی مورد نظر ضمن اعلام همبستگی با فلسطینیان مقرر شد فعالیت‌های عملی و جدی برای پیوستن به جبهه نبرد علیه اسرائیل در میان جوانان ایران صورت پذیرد. در واقع اتحادیه مسلمین کانون این حرکت‌ها و پل ارتباطی ایرانیان با مبارزان مسلمان فلسطینی بود. حتی صندوقی برای جمع‌آوری کمک‌ها و دفتری برای اسم‌نویسی داوطلبان برای اعزام به فلسطین و فراگیری تعلیمات نظامی تشکیل شد. حاج ابوالقاسم رفیعی از دوستان نواب صفوی به داوطلبان آموزش نظامی می‌داد. بعد از اعلامیه آیت‌الله کاشانی با وجود کنترل شدید و مخالف نیروهای امنیتی و انتظامی اعتراضات مردمی در حمایت از فلسطین صورت گرفت. تا جایی که در استان‌های مرزی مثل کرمانشاه تظاهرات علیه مهاجرت یهودیان به فلسطین برپا شد. (آرشیو ملی ایران، شناسه سند: ۹۱/۲۹۳/۲۱۰۷) کاشانی حتی در ادامه به مجامع بین‌المللی درباره مسئله فلسطین نامه‌نگاری کرد. (خسروشاهی، ۱۳۹۷: ۱۱۷) روز یکشنبه دوم خرداد ۱۳۲۷، این جوانان پرشور در منزل آیت‌الله کاشانی اجتماع کردند و آماده حرکت به فلسطین بودند، ولی دولت از این اقدام جلوگیری کرد.

کاشانی هم‌سو با دغدغه‌های ملی و وطنی، مسائل منطقه‌ای و بین‌المللی را نیز پیگیری می‌کرد. وی به موازات مبارزه با انگلیسی‌ها در قضیه ملی شدن نفت، خطر صهیونیست‌ها را مرکز بحث قرار داد، چون عقیده داشت که این نقشه انگلیسی‌هاست

که می‌خواهند یهودیان ساکن در کشورهای مختلف جهان را به فلسطین بیاورند و در نتیجه در یکی از نقاط حساس که مرکز کشورهای اسلامی است، بذر نفاق و خیانت بیفشانند و مسلمانان را در مضیقه بگذارند.

با رهبری آیت‌الله کاشانی بخش مهمی از مردم ایران در نیمه دهه ۱۳۲۰ بخش مهمی از مطالبه دینی، سیاسی و اجتماعی‌شان مسئله فلسطین بود. اما به یک باره حادثه تیراندازی به شاه را در ۱۵ بهمن ۱۳۲۷ به وجود آمد و عامل اصلی را آیت‌الله کاشانی شناختند و شبانه این شخصیت بزرگ روحانی را به قلعه فلک‌الافلاک و از آنجا به لبنان تبعید کردند. بنابراین این فعالیت‌ها تا حادثه ترور شاه ادامه داشت اما از آن پس در پی مداخله رژیم تعطیل شد. (ملائی توانی، ۱۳۸۸: ۶۸)

بعد از مراجعت از این تبعید و اوج‌گیری نهضت ملی شدن صنعت نفت، آیت‌الله کاشانی دریافت که مقابله با استعمارگران، بایستی با وحدت ملل مسلمان انجام گیرد تا تجاوزاتی مثل اشغال فلسطین اسلامی به وجود نیاید و بنابراین در زمانی که در جهان اسلام و در کشورهای عربی از اعتبار و قدرت بسیار برخوردار بود، طرح وحدت کشورهای اسلامی را ریخت و با سرعت، مقدمات تشکیل کنگره اسلامی را در تهران فراهم می‌کرد که همه چیز عوض شد و چهره کریه استعمار در شکل دیگری ظاهر گردید. از سوی دیگر مخالفت آیت‌الله کاشانی با رابطه ایران و اسرائیل نقش مهمی در جلب حمایت اعراب از سیاست ملی شدن نفت ایران در سازمان ملل بازی کرد. (ولایتی، ۱۳۸۰: ۱۰)

حمایت از فلسطین به مثابه مبارزه علیه سلطنت پهلوی

آیت‌الله کاشانی در جنبش ملی شدن صنعت نفت هم به فلسطین نظر داشت. در واقع در یکی از مهم‌ترین آوردگاه ملی ایرانیان، فلسطین نیز جایگاه داشت. رویکرد

آیت‌الله کاشانی در جنبش ملی کردن صنعت نفت به همراه دکتر محمد مصدق صرفاً جنبشی علیه قدرت پهلوی و یا انگلستان نبود. در روزگار وقت بنا به دلایلی که شرح آن در حوصله این متن خارج است جنبش نفت ایران ورهبرانیش به نوعی سنبل مقاومت منطقه تبدیل شده بودند. ایران تبدیل محور مقاومت منطقه بود.

پس از اینکه فلسطین توسط غاصبان صهیونیست اشغال شد، رژیم شاهنشاهی ایران دولت غاصب یعنی اسرائیل را به رسمیت شناخت که در این هنگام نیز آیت‌الله کاشانی آرام ننشست و دولت ملی ایرانیان که شکل گرفت. آیت‌الله کاشانی برچیده شدن کنسولگری ایران در اسرائیل را به دولت مصدق ارائه کرد. حتی متن اعلامیه دولت درباره این موضوع به توصیه کاشانی به عربی ترجمه و منتشر شد. (خسروشاهی، ۱۳۹۷: ۹۹) متأثر از چنین رویکردهایی بود که مفتی فلسطین ضمن نامه‌ای به دولت ایران پیروزی ایرانیان در برابر استعمار انگلیس را تبریک گفت.

حتی بعد از آنکه دولت ملی ایرانیان با کودتای انگلیسی-آمریکایی به محاق رفت، آیت‌الله کاشانی از مسئله فلسطین دست نکشید. وی بارها در صدد برگزاری کنگره اسلامی بود. نهادهای امنیتی رژیم پهلوی تلاش کاشانی برای تأسیس سازمان نوین اسلامی برای خنثی سازی اقدامات انگلیس علیه ملل اسلامی را گزارش می‌دهند. (روحانی مبارز، ۱۳۷۹: ۴۶۷) غرض اصلی کاشانی از تأسیس این کنفرانس اتحاد ملل اسلامی برای همکاری و روابط دوستانه خاصه در مسئله فلسطین است. از دیدگاه کاشانی فعالیت‌های صهیونیستی دسیسه‌کسانی است که از عظمت ممالک اسلامی ترس دارند. بنابراین باید اختلاف فرقه‌ای را کنار گذاشت و در برابر آن‌ها جبهه واحدی تشکیل داد. (دهنوی، ۱۳۶۳: ۱۹۵-۱۹۶) کاشانی حتی اواخر عمرش نیز به فکر ماجرای فلسطین بود و با جمال عبدالناصر در این باره مکاتباتی داشت و داماد خواهرش امام موسی صدر را به این منظور به لبنان فرستاد. (خسروشاهی، ۱۳۹۷: ۷۸)

۵- مقایسه تطبیقی مؤلفه‌های رویکرد دو نخبه دینی-سیاسی در مسئله فلسطین

اکنون که به مساعی هریکی از علما و نخبگان دینی-سیاسی مورد نظر در مسئله فلسطین اشاره شد می‌توان به مقایسه این دو رویکرد پرداخت و وجوه تشابه و تفاوت رویکردها و عملکردها را دید.

آیت‌الله کاشف‌الغطاء

با توجه به توضیحات فوق می‌توان مهم‌ترین رویکرد آیت‌الله کاشف‌الغطاء در مسئله و بحران فلسطین را چنین خلاصه کرد: کاشف‌الغطاء قدس و فلسطین را امانتی الهی، قلب جهان اسلام و به مثابه یکی از مهم‌ترین میراث‌های اسلامی می‌داند که باید برای حفظ آن اقدام کرد. همچنین در نگاه وی صهیونیسم زاده استعمار و ابزاری برای تسلط بر مسلمانان است. در نگاه کاشف‌الغطاء راهکار آزادی فلسطین، بیداری امت اسلامی و رهایی از غفلت‌های سیاسی و فرهنگی و اقتصادی و اجتماعی است. همچنین کاشف‌الغطاء مانند دیگر نخبگان اصلاحی بر بازگشت به هویت اسلامی خاصه قرآن تأکید می‌کند. در ادامه آنچه وجهه همت رویکرد کاشف‌الغطاء درباره مسئله فلسطین است اتحاد دولت‌های عربی و اسلامی، تحریم فروش اراضی به یهودیان، تأسیس جمعیت‌ها خاصه برای کمک‌های مالی به فلسطینیان است. در دیدگاه کاشف‌الغطاء همه فعالیت‌ها بسیج امت اسلامی برای حمایت از فلسطین را رقم خواهد زد. (ورعی: ۱۳۹۷: ۲۰۰-۱۷۸)

همچنین وجه اصلی رویکرد و عملکرد آیت‌الله کاشف‌الغطاء در قبال بحران فلسطین، توجه و تأکید بر «روشنگری نخبگان» بود. در دیدگاه وی عدم اطلاع نخبگان جهان اسلام از مناسبات سیاسی و مسائل منطقه و جهان اسلام باعث شده واکنش مقتضی از سوی آنان صورت نگیرد. اقدامات روشنگرانه کاشف‌الغطاء بود که مسئله فلسطین

را مورد توجه نخبگان جهان تشیع قرار داد. وجه دیگری از رویکرد کاشف‌الغطاء درباره مسئله فلسطین، همسو دیدن آمریکا و انگلیس با صهیونیست‌ها است. همچنین کاشف‌الغطاء در تداوم حمایت‌های معنوی و سیاسی خود از فلسطینیان، به حمایت‌های اقتصادی و مادی از آنان نیز توجه داشت. صدور فتوا در حمایت از فلسطینیان و جهاد علیه صهیونیست‌ها نقطه عطفی در مسئله جایگاه فلسطین در منظومه فقهی شیخ است. کاشف‌الغطاء به دلیل عرب بودن مسئله فلسطین را به غیر از مسئله‌ای اسلامی و مربوط به جهان اسلام، آن را در منظومه عربی هم می‌دید. در واقع در کنار وجه اسلامی قضیه رویکرد قومی خاصه عربی دیدن آن نیز برجسته بود؛ بر همین اساس هم در منبرش در قدس و هم در رد دعوت آمریکایی‌ها به وجه عربی مسئله اشاره کرد. نهایتاً آنکه کاشف‌الغطاء آزادی فلسطین را در گرو توجه حقوق بشری و جهانی به موضوع فلسطین می‌داند. (ورعی ۱۳۹۸: ۲۶۳)

آیت‌الله کاشانی

رویکرد و عملکرد آیت‌الله کاشانی با صدور بیانیه و اطلاعیه‌های عمومی علیه استعمار و صهیونیست‌ها و در حمایت از فلسطینیان به ظهور رسید. در آنجا ضمن خطاب قرار دادن نخبگان جهان اسلام، اتحاد اسلامی، دوری از تفرقه و توجه به دشمن مشترک از جمله مفاهیم کلید کاشانی است. در ادامه سیدکاشانی توانست مسئله را از عرصه نخبگانی و علمایی به خیابان و مناسبات عمومی مردم بدل کند. این مهم به وسیله تظاهرات خیابانی و تجمعات و گردهمایی‌های عمومی به رهبری آیت‌الله کاشانی رخ داد. همچنین در رویکرد آیت‌الله کاشانی به مسئله مورد نظر، بحران فلسطین به مثابه یکی از مطالبات ملی ایرانیان قرار گرفت و متأثر از مساعی وی بود که مردم ایران، مسئله فلسطین را همچون مسئله خود می‌دیدند و حاضر شدند برای اعزام به فلسطین برای مبارزه با صهیونیست‌ها اقدام کنند. کاشانی با جایگاهی که در جهان اسلام به

عنوان سمبل مبارزه علیه استعمار باز یافته بود با دست گذاشتن بر بحران فلسطین، توانست آن را به موضوع درجه اول جهان اسلام بدل کند. در مسئله مواجهه آیت‌الله کاشانی با بحران فلسطین این نکته را نیز باید در نظر داشت که عرصه مبارزه علیه صهیونیسم و حمایت از فلسطین با عرصه مبارزه علیه رژیم پهلوی و شاه هم‌زمان شده بود. با توجه به مراودات عمیق شاه با اسرائیل و بهائیان، رویکرد آیت‌الله کاشانی در قبال فلسطین به نوعی مبارزه علیه شاه و سلطنت مطلقه وی، همچنین مبارزه علیه انگلیس بود.

وجه تشابه و افتراق

همان‌طور که ایضاح شد مهم‌ترین وجه تشابه رویکرد آیت‌الله کاشف‌الغطاء و آیت‌الله کاشانی امتی دیدن مسئله فلسطین و به‌طور دقیق انسانی دیدن این مسئله است؛ اینکه صهیونیست‌ها حقوق انسانی مسلمانان را پایمال کرده و امت اسلامی باید برای این بحران اتفاق کرده و متحد شوند. همچنین هردو نخبه دینی-سیاسی برای حمایت از فلسطینیان به صدور فتوا و بیانیه روی آوردند و برای جمع‌آوری کمک‌های مالی، صندوق و اعانه در نظر گرفتند. در کنار این وجوه تشابه مهم‌ترین نمود رویکرد و عملکرد متفاوت آیت‌الله محمدحسین کاشف‌الغطاء و سیدابوالقاسم کاشانی در مسئله فلسطین، وجه ارتباط نخبگانی کاشف‌الغطاء و عملکرد مردمی و عمومی کاشانی است. کاشف‌الغطاء ارتباطات گسترده‌ای با نخبگان جهان اسلام داشت و می‌کوشید از این طریق در زمینه مسئله فلسطین گام بردارد، اما کاشانی در کنار این وجه بیشتر توانش را معطوف به حوزه عمومی و مردمی و خیابان کرده بود و می‌کوشید با همسو کردن مردم با مسئله فلسطین، به شکل کاراتر و تأثیرگذارتری برای بحران فلسطین عمل کند.

نتیجه

در این پژوهش متکی به مسئله تحقیق، مؤلفه‌های رویکرد آیت‌الله محمدحسین کاشف‌الغطاء و آیت‌الله سیدابوالقاسم کاشانی به بحران فلسطین مرکز توجه قرار گرفت. با بررسی صورت‌گرفته مشخص شد که کاشف‌الغطاء و کاشانی مسئله فلسطین را در صدر توجهات دینی، اجتماعی و سیاسی خود قرار داده و به شیوه‌های مختلفی حساسیت خود را در مورد بحران فلسطین نشان دادند. همچنین در این بررسی مقایسه‌ای و تطبیقی وجوه تشابه و افتراق رویکرد این دو نخبه دینی-سیاسی مشخص شد؛ اینکه تأکید آیت‌الله کاشف‌الغطاء بر روشنگری نخبگانی بود و اهتمام ویژه آیت‌الله کاشانی بر همسویی عمومی مردم با مسئله فلسطین بود.

مواجهه علمای مورد نظر با مسئله فلسطین در روزگاری به ظهور رسید که مرجعیت شیعه در قدرت سیاسی چندانی برخوردار نبود. بدیهی است که هرچه شرایط علمای شیعه بهینه‌تر باشد مواجهه ایشان با مسائلی از این دست متفاوت‌تر و کاراتر خواهد بود. به عبارت دیگر هرچه دامنه تأثیرگذاری و قدرت علمای شیعه وسیع‌تر بوده مواجهه ایشان با مسئله و بحران فلسطین نیز تأثیرگذارتر بوده است. متکی به همین استدلال است که پس از کودتای ۲۸ مرداد ۳۲ دست آیت‌الله کاشانی برای حمایت فلسطین کوتاه می‌شود و دیگر خبری از اعلام آمادگی گروه‌های مبارز برای اعزام به فلسطین نیست.

از دیگر نتایج این پژوهش آن است که بحران و مسئله فلسطین صرفاً مربوط به جهان عربی و اسلام سنی نیست. شیعیان به‌طور عام و ایرانیان در وجه خاص سهم مهمی در برجسته کردن این مسئله حتی در جهان اسلام و عرب داشته‌اند. اهتمام ویژه‌ای که از سوی علمای شیعه خاصه نخبگان دینی-سیاسی‌ای نظیر آیت‌الله کاشف‌الغطاء و آیت‌الله کاشانی درباره مسئله فلسطین صورت گرفت، جایگاه ویژه فلسطین را نزد

شیعیان نشان می‌دهد. از سوی دیگر مجموعه فتاوا و بیانیه‌ها و سخنان نخبگان دینی - سیاسی بررسی شده نشان می‌دهد که ایشان افزون بر آن، مسئله فلسطین را صرفاً عربی و اسلامی نمی‌دیدند، بلکه آن را انسانی یافته تا جایی که هر انسان و بشری را برای یاری فلسطین دعوت می‌کردند.

همچنین مسئله فلسطین از چنان جایگاه و اهمیتی نزد علمای شیعه برخوردار است که حتی در شرایطی که علما در امر حاکمیت سیاسی بسط ید ندارند، فتوای جهاد در حمایت از فلسطینیان و مبارزه با صهیونیست‌ها صادر می‌کنند. بدیهی است که وقتی در چنین وضعیتی فتوای جهاد صادر شود در شرایطی که شیعیان و علمای شیعه قدرت و حاکمیت سیاسی داشته باشند، حمایت‌ها از فلسطینیان و مبارزه با صهیونیست‌ها قوی‌تر و محکم‌تر دنبال خواهد شد. حتی اگر ظواهر امر طور دیگر نشان داده شود. متکی به چنین میراثی است که در جمهوری اسلامی ایران که در آن علما شیعه مهم‌ترین و تأثیرگذارترین عناصر قدرت هستند، مسئله اول سیاست خارجه دولت، مسئله فلسطین است.

از دیگر نتایج این پژوهش آن است ارتباط نخبگان جهان اسلام در گسترش و توجه مسلمانان به مسئله فلسطین دخیل است. ارتباطات امین‌الحسین، کاشف‌الغطاء و کاشانی به خوبی نشان می‌دهد که هرچه ارتباط بین فلسطین و جهان اسلام و به‌طور خاص شیعیان بیشتر و گسترده‌تر باشد، مواجه شیعیان با این مسئله نیز نمود بیشتری خواهد داشت.

منابع

- احمدی، حمید. (۱۳۶۹). ریشه‌های بحران در خاورمیانه، تهران: انتشارات کیهان.
- آرشیو ملی ایران، سند شماره: ۹۱/۲۹۳/۲۱۰۷.
- اعرابی، محمد. (۱۳۸۲). تحقیق تطبیقی. تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
- امین، حسن. (۱۴۲۲). دائرة المعارف الاسلامیه الشیعه، ج ۱۷، بیروت: دارالتعارف المطبوعات.
- آرشیو ملی ایران، شناسه سند: ۹۱/۲۹۳/۲۱۰۷.
- آل کاشف الغطاء، محمدحسین. (۱۳۸۹). قضیه فلسطین الكبرى، نجف الاشرف: مطبعه النعمان.
- آل کاشف الغطاء، محمدحسین. (۱۴۳۹). موسوعه الامام محمدحسین کاشف الغطاء، المدخل الثانی، تحقیق: شریف کاشف الغطاء، تهران: معهد العالی للعلوم و الثقافه الاسلامیه (پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی).
- آل کاشف الغطاء محمدحسین. (۱۹۸۰). المثل العليا فی الاسلام لا فی بحمدون، بیروت: دارالوعی الاسلام.
- آل کاشف الغطاء، محمدحسین. (۱۳۹۴). بندنبد سرگذشتم: ترجمه کتاب عقود حیاتی، زندگی خودنوشت و خاطرات آیت الله حاج شیخ محمدحسین کاشف الغطاء، تهران: انتشارات موسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی.
- آل کاشف الغطاء، محمدحسین. (۱۴۰۳). المثل العليا فی الاسلام لا فی بحمدون، تهران: منظمه الاعلام الاسلامی.
- آل کاشف الغطاء، محمدحسین. (۱۳۷۳). محاوره الامام المصلح کاشف الغطاء الشیخ محمد حسین مع السفیرین البريطانی والامیرکی فی بغداد. نجف: طبعه الحیدریه.
- بهشتی، احمد. (۱۳۷۰). شخصیت و اندیشه‌های کاشف الغطاء. تهران: امیر.
- خسروشاهی، محمود. (۱۳۹۷). ابرمرد جهاد و اجتهاد آیت الله سیدابوالقاسم کاشانی. قم: کلبه شروق.
- کفاش، حامد. (۱۳۹۲). دائرة المعارف مصور تاریخ فلسطین. تهران: نشر سایان.
- دوانی، علی. (۱۳۷۷). نهضت روحانیون ایران، ج ۱ و ۲، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- دهنوی، م. (۱۳۶۱). مجموعه‌ای از مکتوبات، سخنرانی‌ها و پیام‌های آیت الله کاشانی. ج ۱، تهران: انتشارات چاپخس.
- دهنوی، م. (۱۳۶۳). مجموعه‌ای از مکتوبات، سخنرانی‌ها و پیام‌های آیت الله کاشانی، ج ۵،

تهران: انتشارات چاپخش.

رجبی، محمد حسن. (۱۳۹۲). مروری بر مواضع ضد استعماری و ضد صهیونیستی روحانیت شیعه در دوره معاصر، تهران: امیرکبیر.

رجبی، محمد حسین. (۱۳۸۲). علمای مجاهد، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
رکن آبادی، غضنفر. (۱۳۷۹). سیاست و دیانت و آیت الله کاشانی. تهران: مؤسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر.

روحانی مبارز، آیت الله کاشانی به روایت اسناد ساواک، ج ۱، تهران: مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات.

رودنسون، ماکسیم. (۱۳۵۷). درباره فلسطین. ترجمه منوچهر هزارخانی، تهران: انتشارات توس.

شاو، استنفورد جی. (۱۳۷۰). تاریخ امپراتوری عثمانی و ترکیه جدید، ج ۲. ترجمه محمود رمضان زاده، مشهد: معاونت فرهنگی آستان قدس.

شرابی، نظام. (۱۳۷۴). آمریکا و اعراب. ج اول، تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

شولتسه، راینهارد. (۱۳۸۹). تاریخ جهان در قرن بیستم. تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.

صدرحاج سیدجوادی، احمد. (۱۳۹۰). دائرةالمعارف تشیع. ج ۱۳، تهران: انتشارات حکمت.
فرامرزی، عبدالرحمان. (۱۳۴۸). «من از تکرار تاریخ می ترسم». مجله یغما، سال ۲۳، شماره ۷، مهرماه.

فرامکین، دیوید. (۱۳۹۶). صلحی که همه صلح‌ها را بر باد داد: فروپاشی امپراتوری عثمانی و شکل‌گیری خاورمیانه معاصر. تهران: نشر ماهی.

فضل الله، سید محمد حسین. (۱۳۷۲). «آفاق فکری علامه کاشف الغطاء: گفت‌وگو با آیت الله سید محمد حسین فضل الله». آوای بیداری: ویژه‌نامه روزنامه جمهوری اسلامی به مناسبت چهلمین سال رحلت آیت الله شیخ محمد حسین کاشف الغطاء، اردیبهشت.

فلسفی، محمد تقی. (۱۳۷۶). خاطرات و مبارزات حجت الاسلام و مسلمین فلسفی، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.

قانون، مرتضی. (۱۳۸۱). دیپلماسی پنهان، جستاری در روابط ایران و اسرائیل در عصر پهلوی. تهران: طبرستان.

کوئیگیلی، جان. (۱۳۷۲). فلسطین و اسرائیل: رویارویی با عدالت. ترجمه سهیلا ناصری، تهران: مؤسسه چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه.

کیالی، عبدالوهاب. (۱۳۶۶). تاریخ نوین فلسطین. ترجمه محمد جواهرالکلام، تهران: انتشارات امیرکبیر.

کاشانی، محمود. (۱۳۸۶). آیت الله کاشانی به روایت اسناد و خاطرات. تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.

معتدل، دیوید. (۱۳۸۹). دنیای اسلام و جنگ آلمان نازی. تهران: نشر ثالث.

مدنی، جلال الدین. (۱۳۶۲). ایران اسلامی در برابر صهیونیسم: چهل سال مبارزه ملت مسلمان ایران در جهت اتحاد اسلامی علیه صهیونیسم. تهران: انتشارات سروش.

معدن دارآرانی، عباس. (۱۳۹۸). روش تحقیق تطبیقی در علوم انسانی. تهران: انتشارات سمت.

موسوی بجنوردی، محمد کاظم. (۱۳۸۳). دائرةالمعارف بزرگ اسلامی. ج ۲، تهران: مرکز دائرةالمعارف بزرگ اسلامی.

مهاجرنیا؛ محسن. (۱۳۸۹). اندیشه سیاسی متفکران اسلامی: جلد سوم: فقه سیاسی شیعه. تهران: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.

نجفی، موسی. (۱۳۷۵). اندیشه دینی و سکولاریسم در حوزه معرفت سیاسی و غرب شناسی (دهه های نخستین یکصدسال اخیر ایران). تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

ورعی، جواد. (۱۳۹۷). احوال، افکار و آثار علامه شیخ محمد حسین کاشف الغطاء. قم: نشر مؤسسه کتابشناسی شیعه.

ورعی، جواد. (۱۳۹۸). «کاشف الغطاء و مسئله فلسطین: ابعاد و راهکارها». فصلنامه علمی - پژوهشی حکمت متعالیه، قم: انجمن مطالعات سیاسی قم.

ولایتی، علی اکبر. (۱۳۸۰). ایران و تحولات فلسطین (۱۳۵۷-۱۳۱۷ش / ۱۹۷۹-۱۹۳۹م). تهران: مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی.